

رئیس انجمن علمی غذا و تغذیه حامی سلامت ایران :

بودجه مهم ترین دلیل توقف توزیع شیر در مدارس؛ از صنایع شیر حمایت نشد



برنامه توزیع شیر در مدارس اگر چه متوقف شد اما تجربه آن هنوز می تواند الگویی برای شروع برنامه های بین بخشی باشد. این طرح به گفته رئیس انجمن علمی غذا و تغذیه حامی سلامت ایران از بررسی ملی درباره سو تغذیه کودکان کشور شروع شد. برنامه ای که دکتر ربابه شیخ الاسلام می گوید با کمک آن هنوز می شود وضعیت دیروز تا امروز تغذیه کودکان را مقایسه کرد. با این حال طرحی که از اینجا شروع شد به جایی رسید که به دلایلی مانند کیفیت پایین شیر یا نبودن زنجیره سرد و افزایش قیمت لبنیات و نبودن بودجه لازم متوقف شود. دکتر شیخ الاسلام در این مصاحبه از این تجربه ۹ ساله در دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت حرف می زند. تجربه ای که تلاش کرد نگاهی متفاوت در بین کودکان نسبت به شیر ایجاد کند.

دهد وضعیت رشد و روند رشد کودکان در طول زمان چگونه بوده است وجود نداشت. بنابراین باتشکیل یک گروه متخصص تصمیم گرفتیم که تحقیقی ملی را آغاز کنیم تا این وضعیت را در هر استان به طور شفاف نشان دهد که بتوانیم هر استان را در طول سال های آینده پایش کنیم. بررسی ملی درباره سو تغذیه کودکان کشور (شامل کوتاه قدی، لاغری و ...) به تفکیک استان ها با حضور کارشناس های استانی با مشکلات خاص خود آغاز شد. دستورالعمل ها و ابزار کار را فراهم کردیم، برای هر استان تیمی مسئول از بخش بهداشت انتخاب و آموزش دادیم و بعد از حدود دو سال توانستیم با جمع آوری دیتاها گزارش کاملی تهیه کنیم که به نام «سیمای تغذیه کودکان کشور» در سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۴ به زبان فارسی و انگلیسی منتشر شد. این اولین تحقیق جامع در این زمینه بود که توانستیم به کمک آن استان های محروم را شناسایی کنیم. کتاب سیمای تغذیه شبیه به یک اطلاعات اولیه از وضعیت سلامت جامعه بود که سال ها بعد هم می شود به عنوان مقایسه به آن مراجعه کرد. بر اساس اطلاعات به دست آمده فهمیدیم که باید به استان های محروم کمک های غذایی بدهیم و یک برنامه کامل با همکاری سازمان بهزیستی تدوین کنیم.

برنامه شیر مدرسه یکی از همین برنامه ها بود؟

بله درست است. یکی از این برنامه ها شیر مدرسه بود که برای این برنامه

چه دغدغه های باعث شروع طرح توزیع شیر مدارس شد؟

روشن است که شیر مدرسه یک برنامه مبتنی بر تحقیقات ملی و برای حفظ ارتقای سلامت کودکان کشور طراحی و اجرا شد. در سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ تلاش کردیم که دفتر بهبود تغذیه را در وزارت بهداشت تاسیس کنیم و هدف این بود که مشکلات تغذیه جامعه را پیدا و راه حل های متناسبی برای حل کردن این مشکلات پیدا کنیم. تا آن زمان دغدغه تغذیه جامعه و تلاش برای بهبود آن هدف معاونت بهداشت نبود و شاید تنها دو کارشناس طرحی تغذیه در دفتر سلامت خانواده کار می کردند. من معاون همان دفتر بودم و در آن سال ها تلاش زیادی می کردم که به مسئولان وزارت بهداشت ثابت کنم که تغذیه یکی از مهم ترین و اساسی ترین نقش را در سلامت افراد در طول دوران زندگی دارد و علاوه بر این تغذیه متعادل و مناسب در توانمندی های جسمی و ذهنی کودکان جامعه می تواند در ایجاد نسلی توانمندتر در توسعه ملی کشور هم تاثیر گذار باشد.

این طرح را بر اساس چه معیارهایی شروع کردید؟

ما از قبل نگران دریافت کلسیم و سایر ریزمغذی های مورد نیاز کودکان بودیم. بعد از تشکیل دفتر بهبود تغذیه در موسسات تحقیقاتی کشور به دنبال بررسی هایی ملی بودیم که وضعیت تغذیه کودکان را نشان بدهد. متأسفانه با وجود داشتن انستیتو تحقیقات تغذیه در کشور هیچ تحقیق ملی که به ما نشان

شده بود و صنعت برای اینکه سر پا بماند مجبور بود افزایش قیمت بدهد. البته اتحادیه خیلی تلاش کرد که با ارسال گزارش و مشکلات راه حل اصولی پیدا کند ولی مسئولین وقت به این برنامه سلامت بخش برای کودکان بی مهری کردند و صنعت شیر را در شرایط بدی گذاشتند. از طرف دیگر نه تعهد دولت برای دادن همان مقدار بودجه عملی و نه پرداختها به موقع انجام شد.

آیا طرح منجر به افزایش سرانه شیر شد؟

در همان تاریخی هم که شیر مدرسه توزیع می شد مصرف سرانه شیر در کشور ما پایین بود. این برنامه را گذاشته بودیم تا کودکان شیر بخورند و با طعم آن آشنا شوند. اگر یک وعده هم در روز شیر بخورند بهتر از نخوردن آن است اما متأسفانه هم دولت خسران کرد و هم اینکه صنایع شیر می توانستند فشار بیشتری بیاورند تا با همکاری همدیگر به سمت تصحیح وضعیت تغذیه کودکان پیش بروند. در نهایت برنامه شیر مدرسه نتوانست نقش پررنگی در فرهنگ سازی داشته باشد؛ چرا که این برنامه ادامه پیدا نکرد. گاهی شیرها بدمزه بودند و همچنین سیستم توزیع ما درست نبود و زنجیره سرد رعایت نمی شد. مثلاً یا یک دفعه آن را به دست دانش آموز می رساندند و یا اصلاً به موقع دستشان نمی رسید. چند سال ما این طرح را اجرا کردیم اما هنوز هم دیر نیست که توجهی اقتصادی برای اجرای این برنامه تهیه شود تا با فکری بیشتر و همکاری عمیق تر با آموزش و پرورش آن را اجرا کنیم.

آیا آن زمان ظرفیت کافی برای تولید این مقدار را شیر داشتیم؟

بله ما کارخانه های متعددی در استان های متفاوت داریم. این کارخانه ها به میزان کافی شیر تولید می کنند اما از صنایع شیر حمایت نشد برنامه شیر مدرسه آنقدر برای کشور اهمیت داشت که هم یارانه خوبی به آن بدهند و هم صنایع شیر کمک کنند تا به خاطر میسر نبودن زنجیره سرد، شیرهای استریل ارائه کنند.

آیا شما پیغامی دارید که بخواهید مسئولین بشنوند؟

بله متأسفم که بگویم با وجود عزم ملی برای حمایت از تولید داخلی در مورد صنعت شیر کم کاری شده است. جریان استفاده از روغن پالم در حالی توسط آقای دکتر هاشمی (وزیر وقت وزارت بهداشت) مطرح و به شدت رسانه ای شد که تنها چند کارخانه، آن هم با مجوز خود اداره کل غذا در سازمان غذا و دارو به بعضی از مواد لبنی و نه شیر، پالم اضافه کرده بودند. این موضوع ضربه بزرگی به میزان مصرف شیر و فر آورده های لبنی وارد کرد. اتهام به روغن پالم که نوع خوب آن در تمام جهان مصرف خوراکی دارد و در کشور ما هم وارد و مصرف می شود موجب شد مردم به صنعت شیر که سالها با تلاش برای پاستوریزاسیون و استریل کردن شیر با کیفیت را در اختیار می گذاشت و موجب ریشه کن شدن بیماری هایی مانند تب مالت شده بود بی اعتماد شوند.

نتیجه تلخ اینکه مردم مجدداً به استفاده از شیرهای فله ای رو آوردند و مغازه های شیر سنتی که سالها اداره کل بهداشت محیط در کاهش تعداد آنها موفق شده بود در هر کوی و برزن راه افتاد. اینچنین استفاده از شیر غیر پاستوریزه منجر به مشکلات بیشتری مانند تب مالت شد. بر اثر این اتفاق مردم خیال می کردند روغن پالم یک سم و مصرف آن خطرناک است. تب مالت باز حمت کارکنان بهداشتی کشور سالها کنترل شده بود و به همین دلیل تشخیص آن برای پزشکان که این بیماری را در جامعه ندیده بودند سخت بود. همچنین در دوره دولت نهم هم بسیاری از برنامه های مفید تغذیه ای با هدف سلامت جامعه و کودکان متوقف یا بدون حمایت شد. برای مثال برنامه غنی سازی آرد آرد لغو و توزیع نمک غیر یبدار آن هم نمک آلوده به فلزات سنگین دریاچه ارومیه را آزاد کردند. این جریانها باعث شد که برنامه توزیع شیر هم در مدارس کم رنگ و تعداد روزهایی که شیر توزیع می شد کاهش پیدا کند و همکاری صنایع شیر هم کمتر شود. اینگونه شد که آرزوهای من برای تکمیل و ارتقای برنامه شیر مدرسه برای توزیع شیر استریل غنی با ویتامین های D و A و کلسیم هم زمان با بازنشسته شدن در دولت متوقف شد.

لازم شد بودجه ای از طرف سازمان مدیریت و برنامه ریزی تخصیص یابد و این مشکل ترین بخش این برنامه بود. حتی خاطر هست که با مشاور رئیس جمهور گفتگو کردیم و از ایشان کمک خواستیم. خود ایشان با من به دفتر سازمان مدیریت و برنامه ریزی می آمدند تا بتوانیم یارانه ای به شیر بدهند. آن زمان مدیران بسیار صمیمی تر برای حل مشکلات داوطلب می شدند و کمک می کردند. خانم کارشناس متولی یارانه بسیار قاطع می گفت که نمی تواند از آنچه برای نان تعلق می گیرد حتی بخش کوچکی را به ماده غذایی دیگری اختصاص دهد. بعد از این رفت و آمد و جر و بحث دشوار نهایتاً در ۲۸ اسفند ماه همال سال کلمه بله با نظر مثبت را از این سازمان گرفتم.

اقدامات اجرایی چگونه شروع شد؟

ما از طرف دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت، نمایندگان از طرف سازمان جهاد و وزارت آموزش و پرورش کمیته ای به نام شیر مدرسه را شکل دادیم. این یک مدل موفق همکاری بین بخشی بود تا بتوانیم برنامه شیر مدرسه را راه بیندازیم. سه های اول استان های محروم را بر اساس همان بررسی سیمای تغذیه کودکان شروع کردیم. ابتدا تنها ۷ استان انتخاب شدند ولی بعد کم کم استان های دیگری هم که در بررسی وضع خوبی نداشتند با درخواستشان به لیست اضافه شدند. من هیچ وقت به خاطر ندامت که این برنامه در سطح کشوری به طور کامل اجرا شده باشد. به این دلیل که اولاً کمیته توزیع شیر تصمیم گرفته بود که سه روز در هفته این برنامه را اجرا کند. دوم اینکه در برخی از استانها فقط در سطح دبستان به کودکان شیر می دادند و به سنین بالاتر از آن ها نمی رسید. در برخی استانها استاندار هم کمک می کرد که شیر به مدارس راهنمایی برسد.

گاهی دانش آموزان از طعم شیر ناراضی بودند؛ این به چه دلیل بود؟

کودک هر ماده غذایی را در خانواده بخورد به آن عادت می کند. اگر او شیر را فقط زمان بیماری بنوشد خاطره بدی پیدا می کند. در او با مصرف شیر پیوند می خورد و مصرف شیر او را به یاد روزهای تلخ بیماری می اندازد. از سوی دیگر یکی از مشکلات ما کیفیت این شیر بود. به ما می گفتند شیر رقیق است. مسئولیت این موضوع با صنعت شیر بود و آنها می گفتند برنامه شیر مدرسه، کیفیت شیر را تغییر ندادند. سرانجام قرار شد انستیتو تحقیقات تغذیه از شیر مدرسه نمونه برداری کند وقتی نتیجه را از مسئول این تحقیق می پرسیدم، ایشان عددی از میزان آب موجود در شیر گفتند که من باور نمی کردم. ممکن است یک پاکت به صورت اتفاقی در خط تولید این میزان آب داشته باشد اما مگر می شد همه خطوط تولید در شیر این میزان آب را به کار برده باشند؟

چرا این طرح متوقف شد؟

یکی از سختی های اقدامات بین بخشی در کشور ما این است که هر ارگانی می خواست این عمل را به نام خودش ثبت کند اما مهم ترین دلیل توقف برنامه، بودجه بود. علاوه بر این زنجیره سرد کامل نبود. چرا که شیر در بعضی مناطق به موقع نمی رسید. گاهی چند روز نمی آمد و یک مرتبه سهمیه سه روز به مدرسه می رسید و همچنین یخچال مناسب برای نگهداری آن نبود. برنامه ما این بود که به تدریج از شیر استریل استفاده کنیم که نیاز به یخچال و زنجیره سرد نباشد ولی صنایع شیر ادعا می کردند بودجه ای به آنها ندادند. قیمت شیر ثابت نمی ماند و من که هدفم دادن شیر استریل غنی شده به کودکان کشور بود هیچ مسئول دلسوز و عزمی ملی که ما را به رسیدن این آرزو کمک کند در اطرافم نمی دیدم.

کدام یک باعث توقف توزیع شیر مدرسه شد؛ کمبود بودجه یا

افزایش قیمت شیر؟

هر دو. از یک سو مواد خام و نهاده ها که صنایع شیر می خریدند روز به روز گران تر می شدند و از سوی دیگر حقوق کارگران کارخانه ها با افزایش روبرو

در همان تاریخی هم که شیر مدرسه توزیع می شد مصرف سرانه شیر در کشور ما پایین بود. این برنامه را گذاشته بودیم تا کودکان شیر بخورند و با طعم آن آشنا شوند. اگر یک وعده هم در روز شیر بخورند بهتر از نخوردن آن است اما متأسفانه هم دولت خسران کرد و هم اینکه صنایع شیر می توانستند فشار بیشتری بیاورند تا با همکاری همدیگر به سمت تصحیح وضعیت تغذیه کودکان پیش بروند. در نهایت برنامه شیر مدرسه نتوانست نقش پررنگی در فرهنگ سازی داشته باشد؛ چرا که این برنامه ادامه پیدا نکرد.